

## رابطه ایران و آمریکا: رابطه‌ای در برزخ

بیستم ژانویه، دولت باراک اوباما در آمریکا یکساله می‌شود. اوباما از زمان مبارزات انتخاباتی‌اش گفته بود که خواهان مذاکره با دولت ایران است. آیا وی در این یک سال در راه عادی‌سازی روابط تیره ایران و آمریکا تلاش کرده است؟



شعار "تغییر" شعار اولیه و اساسی باراک اوباما در مبارزات انتخاباتی‌اش برای ریاست جمهوری آمریکا بود. وی اعلام کرده بود که عزم خود را برای تغییر در سیاست‌های داخلی و بین‌المللی ایالات متحده جزم کرده است.

یکی از اصلی‌ترین چالش‌های سیاست خارجی آمریکا از سی سال پیش تا کنون، روابط تیره این کشور با جمهوری اسلامی ایران بوده است. در چند سال اخیر پرونده هسته‌ای ایران نیز به این روابط تیره اضافه شده و دولت‌های آمریکا را با مشکلی جدی و چندجانبه روبرو کرده است، مشکلی که تا کنون هیچیک از روسای جمهوری آمریکا موفق به حل آن نشده‌اند.

باراک اوباما نخستین رئیس‌جمهور رنگین‌پوست آمریکا اعلام کرد که برای حل این مشکل آماده است. وی اولین رئیس‌جمهوری ایالات متحده بود که گفت حاضر است بدون پیش‌شرط با دولت ایران گفت و گو کند. در زمان اوباما بود که برای اولین بار نماینده دولت آمریکا در مذاکرات اتمی ایران با گروه پنج به علاوه یک شرکت کرد و نیز وی اولین رئیس‌جمهوری آمریکا بود که پس از قطع روابط با دولت ایران، برای مردم و نیز دولتمردان ایران پیام تبریک نوروزی فرستاد.

باراک اوباما در پیام نوروزی خود به مردم ایران گفت: «برای کمابیش سه دهه، روابط بین ملت‌های ما دستخوش تنش بوده اما در این زمان، انسانیت مشترک خود را به یاد می‌آوریم که ما را به هم پیوند می‌دهد.»

رئیس‌جمهوری آمریکا خطاب به رهبران ایران گفت: «در طول سالها، بین دو کشور اختلافات جدی بروز و رشد کرده اما دولت من اینک به اقدامات دیپلماتیک برای رسیدگی به تمامی مسایل بین ما و پیگیری ارتباط‌های سازنده میان ایالات متحده، ایران و جامعه بین‌المللی متعهد است.»

اما آیا اینها اقدامات کافی برای حل مشکلات میان دو کشور بوده است؟ آیا دست دوستی باراک اوباما آنگونه که آیت‌الله خامنه‌ای گفت، دستی آهنین پوشیده در دستکشی مخملی است؟ آیا به غیر از سخنان مسالمت‌جویانه، اقدام عملی نیز از سوی دولت آمریکا برای بهبود روابط با ایران صورت گرفته است؟

از سوی دیگر آیا این دست دوستی، آهنین یا غیرآهنین، از سوی ایران فشرده شده؟ آیا واکنش دولت ایران به این سخنان متفاوت، واکنشی از سر خوشایندی بوده؟ و آیا اصولاً دولت ایران حداقل در حرف، خواهان بهبود روابط خود با آمریکا هست یا نه؟



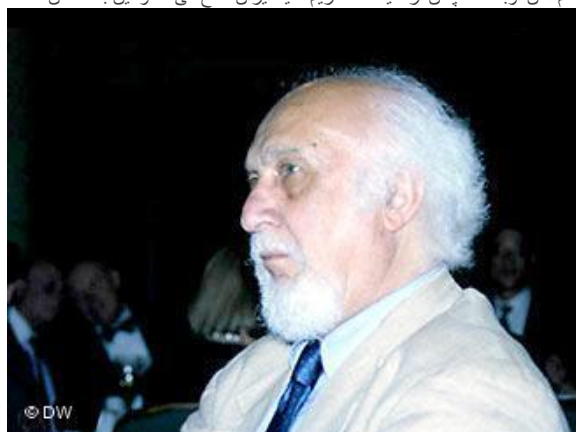
عباس عبیدی معتقد است اگر در این مدت بوش در آمریکا بر سر کار بود عوارض دیگری برای ایران داشت که قطعاً مثبت نبودند

**عباس عبیدی** تحلیلگر سیاسی در اینکه رفتار اوپاما با سلف خود بوش متفاوت بوده است تردیدی ندارد. وی می‌گوید: «در مجموع می‌توان گفت که رفتار آقای اوپاما در تعامل با ایران، قطعاً با بوش متفاوت بوده است. در این که این رفتار تغییر کرده، تردیدی نیست. ادبیات او از همان ابتدا متفاوت بود و فکر می‌کنم مؤثر هم بود. اما این که قدم‌های بیشتری برداشته شده باشد، شاید به دلیل بحرانی که در داخل ایران وجود دارد، یا نیروهای داخل ایران فرصت این کار را پیدا نکردند یا شرایط برای اتفاقات مهم‌تر از آنچه تا کنون رخ داده، خیلی مناسب نبوده است. تفاوت سیاست اوپاما با بوش، در مجموع کاملاً مشهود و روشن است. شاید اگر در این فاصله بوش بر سر کار می‌بود، رفتارهای دیگری می‌کرد و حتی آثار و عوارض دیگری هم می‌داشت که قطعاً مثبت نبودند.»

**دکتر منصور فرهنگ** کارشناس سیاست بین‌الملل نیز معتقد است اوپاما تا کنون حسن‌نیت خود را برای بهبود روابط با ایران نشان داده ولی این دولت ایران بوده که پاسخ درخوری به این حسن‌نیت نداده است. او می‌گوید: «بدون تردید این تلاش انجام گرفته است. تلاش اوپاما از دوران مبارزات انتخاباتی او شروع شد و امید این بود که ایران علاقه‌مند به یافتن راه حل مسالمت‌جویانه‌ای برای تنش هسته‌ای کشور باشد. اوپاما بر مبنای این فرض، مذاکره‌ی بدون قید و شرط با ایران را آغاز کرد. ولی تا کنون ایران در موضع خود هیچ تغییری نداده و رفتار و عملکرد اوپاما را به عنوان ضعف و عقب‌نشینی در موضع آمریکا تلقی کرده و موضع خود را سرسختانه‌تر از پیش در جامعه‌ی بین‌المللی ادامه می‌دهد.»

### اوپاما و پرونده هسته‌ای ایران

دولتمردان ایران می‌گویند اوپاما در کنار این سخنان به ظاهر آشتی‌جویانه، به سیاست قدیم خود در قبال ایران ادامه داده است. تمرکز دولتمردان ایرانی البته بر پرونده اتمی ایران است. به زعم آنان اوپاما همچنان از سیاست تحریم علیه ایران دفاع می‌کند و این با سخنان مسالمت‌جویانه او در تناقض است.



دکتر منصور فرهنگ می‌گوید اوپاما تاکنون حسن نیت خود را نشان داده ولی این دولت ایران بوده که پاسخ درخوری به این حسن نیت نداده است

**دکتر فرهنگ** در پاسخ به این افراد خاطر نشان می‌کند که اوپاما اولین رئیس‌جمهوری آمریکا بود که حق ایران را برای غنی‌سازی اورانیوم پذیرفت. اما به نظر وی دولت ایران با عدم پذیرش خواست جامعه بین‌الملل عملاً راهی جز تحریم برای غرب باقی نگذاشته است. دکتر فرهنگ می‌گوید: «مسئله‌ی هسته‌ای ایران از آن نوع مناقشات بین‌المللی است که نه جامعه‌ی بین‌المللی می‌تواند نسبت به آن بی‌اعتنا باشد و نه در حال حاضر راه حل مسالمت‌جویانه‌ای برایش وجود دارد. بنابراین تحریم، حد وسطی میان جنگ و تقابل، و بی‌عملی و بی‌اعتنایی است. تردیدی نیست که تلاش برای ازدیاد تحریم‌ها تا زمانی که به توافق نرسند، ادامه خواهد یافت و این مربوط به شخص اوپاما نیست. مربوط به سیستم سیاسی آمریکا، سازمان انرژی هسته‌ای و به طور کلی جامعه‌ی جهانی است که در این رابطه، آمریکا در رأس آن قرار دارد.»

**هوشنگ امیراحمدی** کارشناس روابط ایران و آمریکا به پذیرش غنی‌سازی اورانیوم توسط ایران از سوی آمریکا اشاره می‌کند. او در این مورد معتقد است که ایران و آمریکا یک مرحله بسیار مهم در پرونده اتمی را پشت سر گذاشته‌اند. امیراحمدی می‌گوید: «من اعتقاد دارم که در آینده آمریکا حاضر خواهد بود –الان هم حاضر است– که اگر بتواند با جمهوری اسلامی بر سر این که فقط غنی‌سازی اورانیوم انجام بگیرد و بمب‌سازی نشود، به توافقی برسد. یعنی ما امروز در رابطه‌ی ایران و آمریکا بحث غنی‌سازی نداریم، بحث بمب‌سازی داریم و این تغییری بسیار اساسی است.»

### اوپاما و جنبش سبز

بیست و پنجم خرداد ماه سه روز پس از برگزاری انتخابات در ایران، باراک اوپاما که آن زمان در ایتالیا به سر می‌برد در پاسخ به سوال خبرنگاری در مورد اعتراضات مردم ایران به نتایج انتخابات گفت: «من از خشونت‌هایی که در تلویزیون دیدم بسیار رنج بردم. فکر می‌کنم فرایند دموکراتیک، آزادی بیان، امکان مخالفت مسالمت‌جویانه مردم، همه اینها ارزش‌هایی جهانی هستند و باید محترم شمرده شوند. هر وقت شاهد خشونت هستم که بر مردمی روا داشته می‌شود که مسالمت‌جویانه مخالفت می‌کنند و هر وقت آمریکاییان چنین چیزی را ناظرند، فکر می‌کنم آنها به درستی، رنج می‌برند.»

چند روز پس از وقایع عاشورا در ایران نیز اوپاما در این مورد چنین گفت: «آنچه که در داخل ایران در حال روی دادن است، با ایالات متحده یا هیچ کشور دیگری ارتباط ندارد بلکه مربوط به مردم ایران و آرمان‌های عدالت‌خواهی آنها و یک زندگی بهتر برای خودشان است. تصمیم رهبران ایران برای حکومت از طریق توسل به ترس و ستمکاری، به از میان بردن آن آرمان‌ها توفیق نخواهد یافت. و همانگونه که من در اسلو هم اعلام کردم، این روش هنگامی بروز می‌کند که دولتها از آرمانهای مردم خود بیش از قدرت هر کشور دیگری وحشت دارند.»

با وجود اینگونه اظهار نظرهای باراک اوپاما در مورد جنبش اعتراضی ایران، اما هنوز برخی از ناظران و نیز گروهی از مردم ایران معتقدند رئیس‌جمهور آمریکا آنگونه که باید از اعتراضات اخیر مردم ایران حمایت نکرده است.

**عباس عدی** معتقد است اتفاقاً این نقطه قوت سیاست اوپاما بوده است: «قسمت درست سیاست اوپاما همین قضیه بوده است. این که عده‌ای فکر می‌کنند آن‌ها (امریکایی‌ها) باید از جناحی در داخل کشور طرف‌داری کنند، ناشی از گرایش‌های غلط سیاسی‌ای است که در ذهن بعضی‌ها مانده است و هنوز امیدشان به خارج و این‌گونه مسایل است. اوپاما رییس جمهور امریکاست و باید دنبال منافع امریکا باشد. منافع امریکا را هم خودشان تشخیص می‌دهند نه ما. اما این به آن معنا نیست که علیه دیگران باشند. آن‌ها در چهارچوب منافع خودشان عمل می‌کنند. حتی فکر می‌کنم یکی از دلایلی که مسایل داخلی ایران حاد نشد، این است که اوپاما متفاوت از بوش موضع‌گیری کرد و برای مخالفان جنبش مردم ایران فرصت زیادی فراهم نکرد که انگ امریکایی بودن را به این حرکت‌ها بزنند و این نقطه‌ی قوت، صحیح و مثبت موضع‌گیری اوپاما بود، نه نقطه‌ی منفی آن.»

**دکتر منصور فرهنگ** در این مورد معتقد است که سیاست امریکا در قبال نقض حقوق بشر در ایران همانند سیاستی است که در این زمینه در قبال دولت اتحاد جماهیر شوروی و چین کنونی دارد. او می‌گوید: «اگر ایران و امریکا بتوانند در رابطه با مساله‌ی هسته‌ای ایران به توافق برسند، انتقادات امریکا از وضع حقوق بشر در ایران و یا سرکوب دگراندیشان در آن کشور، در همان سطحی قرار می‌گیرد که مثلاً در رابطه با چین قرار گرفته است. یعنی تعیین‌کننده‌ی خط مشی سیاست خارجی امریکا نخواهد بود و در این مورد تفاوتی بین اوپاما، بوش و دیگران نیست. بلکه اهداف امنیتی و اقتصادی سیاست خارجی امریکا است که تعیین‌کننده‌ی خط مشی برخورد امریکا با ایران است. هرچند در کنار آن، توجه به حقوق بشر هم به عنوان یک حربه‌ی تبلیغاتی و ایدئولوژیک وجود دارد ولی تعیین‌کننده‌ی این خط مشی نیست.»



هوشنگ امیراحمدی معتقد است الان مسئله ایران و امریکا دیگر بر سر غنی‌سازی نیست و در این مورد اختلافی ندارند

### آیا دست دوستی امریکا از طرف دولت ایران فشرده خواهد شد؟

صرف نظر از موانعی که بر سر راه بهبود روابط ایران و امریکا به وجود آمده، اکثر تحلیلگران سیاسی معتقدند اوپاما تا کنون تلاش خود را برای این منظور به کار برده و حداقل حسن نیتش را نشان داده است.

اما شرایط خاص سیاسی داخل ایران هم‌اکنون به گونه‌ای است که امکان بهبود روابط را بسیار ضعیف کرده است. پرسش اینجاست که اگر شرایط ایران تغییر کند و به یک ثبات نسبی برسد، آیا دست دوستی اوپاما از سوی دولت ایران فشرده خواهد شد؟

پاسخ **عباس عدی** به این پرسش منفی است: «قبلاً در زمان بوش هم عقیده‌ی من همین بوده و الان هم همین‌طور است؛ فکر نمی‌کنم که این تغییر جهت در این‌جا پاسخ مثبتی را بگیرد. گرچه ممکن است این‌ها معتقد باشند تغییر جهتی که داده شده کافی هم نیست. من بدون این که بخواهم در مورد کافی بودن یا نبودنش بحث کنم، معتقدم که در شرایط کنونی این تغییر جهت برای بهبود روابط دو کشور خیلی نتیجه‌ی مثبتی نخواهد داشت. اما همین که تنش‌ها کم شود، مثبت است.»

**هوشنگ امیراحمدی** اما دید متفاوتی دارد. او می‌گوید دولت ایران هم در سخن و هم در عمل نشان داده که خواهان بهبود روابط با امریکاست. وی به سخنان آیت‌الله خامنه‌ای در این زمینه اشاره کرده و می‌گوید: «پاسخ آقای خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی به نامه‌ها و سخنان آقای اوپاما در مجموع مثبت بود. آقای خامنه‌ای برای اولین بار به اوپاما نگفت: برو گمشو! مانند همان حرفی که در رابطه با خاتم‌البرایات گفته بود. بلکه گفت: ما حرکت‌های شما را تا الان می‌پسندیم. حرف‌هایتان خوب است، ولی ما منتظر عمل هستیم. ایشان منتظر عمل بود که مسایل داخلی و خارجی رخ داد و متأسفانه جلوی حرکت عملی را گرفت.»

این کارشناس روابط ایران و امریکا همچنین معتقد است ایران گام‌های عملی هم برای بهبود رابطه با امریکا برداشته است. امیراحمدی می‌گوید: «مثلاً همین پیشنهاد ایران که بخشی از اورانیوم کمتر غنی شده را به خارج از ایران بفرستد و در مقابل آن اورانیوم بیشتر غنی شده دریافت کند، حرکت عملی و خیلی مهمی بود. ولی این پیشنهاد هم در دست‌اندازهای مسایل داخلی کشور افتاد و عملی نشد. همچنین تحولاتی در منطقه و در امریکا روی داد و متأسفانه جلوی آن گرفته شد.»

به نظر **هوشنگ امیراحمدی** رابطه ایران و امریکا هم‌اکنون جلوتر از دوران بوش و عقب‌تر از ایده‌آل مورد نظر اوپاما است: «گرچه حرکت مهمی در جهت مثبت انجام نشده، در جهت منفی هم دست‌کم تا این لحظه حرکت منفی زیادی انجام نشده است. ما امروز نسبت به دو یا سه سال پیش، در وضعیت بهتری در رابطه‌ی ایران و امریکا قرار داریم. وضعیت ما تقریباً از وضعیتی که آقای بوش ایجاد کرده بود، خیلی بهتر است. اما وضعیتی را که آقای اوپاما می‌خواست به وجود بیاورد، به وجود نیامده است. در حقیقت در برزخ هستیم، نه در جهنم آقای بوش هستیم و نه در بهشتی که آقای اوپاما قول داده بود، قرار داریم. این رابطه فعلاً در وسط و در برزخ قرار گرفته است.»

میتر شجاعی

تحریریه: بهمن مهرداد